

وفق دادن

در ۲۳ تیر ماه ۱۳۵۳ به استخدام دانشکده فنی دانشگاه تهران درآمد قرار شد که یک سری درسهای تخصصی گروه متالورژی را از اول سال تحصیلی که در مهر ماه شروع میشد بپذیرم. من حدود دو ماه وقت داشتم که جزوه های این دروس را نوشته و آماده کنم. در زمان نگارش جزوه ها متوجه ضعف خود در زبان فارسی شدم زیرا معادل لغات فنی فرانسه به فارسی را نمیدانستم (در حقیقت اغلب لغات فنی را به فرانسه بلد بودم ولی معادل فارسی آنها را نمیدانستم). ناچاراً همان لغات را یا به فرانسه و یا به انگلیسی در جزوه خود قید میکردم.

سال تحصیلی ۱۳۵۴-۱۳۵۳ و درسهای من شروع شدند. حدود ۲۵ شاگرد سال سوم با من درس ترمودینامیک تخصصی را میگذراندند. من از همان روزهای اول متوجه ضعف شاگردان شدم زیرا آنها مبانی و اصول ترمودینامیک پایه را فراموش یا یاد نگرفته بودند در هر حال چون دانشجویان اصول ترمودینامیک را یاد نداشتند لذا بناچار الف بای ترمودینامیک را دوباره از نو مرور و دوره میکردم ولی ازین بابت هم رنج زیادی میبردیم زیرا از یکطرف کار کس دیگری را که مسئول تدریس ترمودینامیک پایه بود انجام میدادم از طرف دیگر وقت برای درس خودم کم میشد. یکماه از تدریس من گذشته بود که یکروز نماینده های دانشجویان به نزد من آمدند و گفتند که میخواهند مرا ببینند. جلسه ای در دفتر موقتی که به من داده شده بود با حضور نماینده های دانشجویان تشکیل دادم. خالی نماند که قدری هم نگران بودم که آنها چه میخواهند بگویند و مبادا غرض اظهار نارضایتی از من باشد. در هر حال جلسه شروع شد و یکی از نمایندگان دانشجویان بسیار مودبانه گفت:

آقای دکتر ما با درس شما یک مسئله داریم و تصمیم گرفتیم آنرا با خود شما در میان بگذاریم. آنچه که در مورد محتوای درسی ونحوه تدریس شماست ما همه کمال رضایت را داریم. گفتم خوب جای شکرش باقیست. او ادامه داد و گفت ولی شما در سر کلاس اینقدر لغات فرانسه استفاده میکنید که من حیث المجموع ما برای فهمیدن درس شما لازمست که زبان فرانسه بلد باشیم و شما خودتان میدانید که زبان خارجه همه ما انگلیسی است فقط یک دانشجوی کلاس وجود دارد که از دبیرستان رازی آمده و تا حدی فرانسه بلد است.

گفتم چه اصطلاحاتی را من بکار بردم که شما برای فهمیدن آنها اشکال دارید؟ همه با هم گفتند آنروزی که شما سیستم شفاف را شرح میدادید لغاتی از قبیل سوپاپ (soupape) - کلکتور (collecteur) - رزروآر (réservoir) - روبینه (robinet) - کلاپه (clapet) و قس علیهذا... استفاده کردید که ما معنای اغلب این لغات را نمیدانیم. منصفانه دیدم که راست میگویند. گفتم ببینید من در ۱۸ سالگی ایران را برای تحصیل ترک کردم و تمام تحصیلات دانشگاهی من به زبان فرانسه بوده و ساختمان فکری من طبعاً با واژه های فرانسه خو گرفته ولی من طبیعتاً انتقاد شما را قبول میکنم و سعی خواهم کرد که خود را ادپته (adapter) کنم. همه زدند زیر خنده و یکی در این میان گفت بله آقای دکتر از همین آلمان معلومه!

خلاصه جلسه خاتمه پذیرفت هم با خنده ولبخند وهم با خجالت زدگی من.

چند روز بعد من در راهروی دانشکده بطرف اطاق فتو کپی میرفتم در جلوی من چند تا از دانشجویان من بصورت گروهی با هم راه میرفتند شنیدم که یکی از آنها به بقیه گفت بچه ها خبر مهم را میدانید چیست؟ دیگران گفتند نه؟ گفت دکتر آذریان دارد خودش را «ادپته» میکند! دیگر شاگردانهم قاه قاه زدند زیرخنده ومنهم همینطور!

از نوشته ها و خاطرات پراکنده دکتر علی آذریان (۱۳۹۴)